

جای اداره کتبا

در - غلامحین کتانی

ملکرافات و مکاتیب

باید عنوان ذیل باشد

فومن . جنگل

برای چهارم طبع و توزیع خواهد

گت نمره هفت شامی

# گنگلنگ

۱۳۳۵

تاریخ بوم شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۳۵

تخصیص اجرت لوازم و عکاسات

ضوابطی با دفتر اداره است

مکاتیب بدون امضاء

و عنوان پذیرفته نمیشود

در اشراک بعد از نمره هفت

قیمت اشراک

یکبار ۵۰ تومان

این روزنامه فقط گنگلنگ است و متون افکار اسلامی است

## ماده عهد هشتم

بگفته اند که خود را متون افکار ملت بزرگی معرفی میکنند و بیکه قلم دست گرفت هر قدر فواید پیشگی و سیاسی دولت خود را در نظر داشته باشد باز هم تا مدتی نباید انصاف و وجدان را زیر پا گذاشته بر ضد حیات یک ملت و ملکی سخن مسدود و برای اجرای خیالات و هیاهو عده از زمام داران امور مملکت خود با بستن دست از فرار یک قومی مفتوح نماید .

بگفته اند که در روزنامه نگار از تجاویح اخبارات و جدانی خود را فدای اغراض یک عده مغینه نموده مثل جبهه حق سوز شرق نزدیک همه در استیفاء حقان و تفسیح حقوق مسئله دیگران سعی باشد بدین است از موضوع مصاحبه با خارج است مقصود ما کتانی هستند که خود را حامی حریّت و طرفدار انسانیت جلوه داده و دعوی آریّت میکنند .

و وظیفه یک ندعی مروت و آریّت است واضح است برای حفظ منافع غیر خود دولت خود را در انصاف خارج نموده و در ضحکال قومی اقدام کنند قنای

یک ملت را برای پیشرفت مقاصد تجار و کاروان جلوس خود را غیب نموده و باسم منافع موجود دولت خود حقوق نایب ملت دیگر را مال نماید . از بلای این قدر نمیگذریم و مقال مندرجه در جبهه روسکو اسلوراک در شماره قبل و عده مذکوره از داده بودیم مطرح نموده با مغزرت ذراکت کامل بالضروره بمقتضی محترم ما استو قیاسین گفته نموده و قدری با او محاکمه وجدانی کرده و مضمین حسن را مصدق مایات خود قرار میدیم ما چه میگوئیم روسکو اسلوراک میگوید جای تعجب است که با حقوق انبخت خود را تا بر این منطقی فلسفی بیکه حتی باید ثابت نموده و قانع و لایل کنیم که حفظ حیات و بقای قومیت و صیانت شرافت خود را ذمی حقیق نسین دیگران تجاوز خود و بعدی خود میداند آری خود جلوه ای که کرده بوشی میکنند بفرخی میخوانند ما را مقصود قرار میدهند .

ما میگوئیم ایرانی متمسک باید در مملکت خود حریّت زندگی کنیم روسکو اسلوراک میگوید با بدون دولت با حق ندیده دهان خود را با بایس زندگی کرده با اظهار مالکیت نماید

ششم  
سین شده  
مورده زیاد  
نباشند  
ن قریب  
رضای محمد  
م زیر آفتاب  
ماری و خدا  
برای این  
باید  
مطرح  
محرّم حریف  
مستقی از  
مشاغل  
مغول  
داره بر  
بازار  
با غلطان  
قبل رحمت  
تانیف  
مده جنگل  
غلامحین  
ار پترواری  
معدرت خود

ما میگوئیم حیات استقلالی ما باید محفوظ بماند روسکو و اسلو  
 میگوید باید استقلال ولایت شما فدای اغراض جاگیرانه  
 عده از زمام داران باشد .  
 ما میگوئیم جمعیت ما برای معالجه در دمای سردان است  
 که آن در دما را همسایگان مهربان برای ما تهیه کرده اند  
 روسکو و اسلو میگوید معالجه در دمای شما مقاصد ما  
 صافی است .  
 ما میگوئیم اگر مسلح شویم برای مصونیت خانه ما و حفا  
 وض و ناموس ما است روسکو و اسلو میگوید وقتی میواید  
 مسلح شوید که مثل بعضی شیرفان ایرانی نوکری را اختیار  
 و با تفاق در بانی حرص و طمع بریطانی حش کش کردید  
 ما میگوئیم هر ملتی آزاد و مختار است که خود را آزاد  
 کرده و از تعرض اغیار محفوظ باشد روسکو و اسلو  
 میگوید ایرانی ما باید اداره شده و مملکت خود را از  
 هجوم حق شکنانه همسایگان محفوظ بخواهند  
 ما میگوئیم چنانکه مکرر گفته ایم بطرفی ما احترام شماره  
 ما را با و گذازند و بخلاف تو این بن المللی با ما  
 رفتار کنند روسکو و اسلو میگوید بنقض بطرفی و سون  
 قنون مملکت شما را بکلی باید خراب و مضمحل نمایم  
 ما میگوئیم دولت مستبده روسیه بحریک انگلیس  
 عداوت را از اشغال نظامی کرده بر ایرانیان را بر سر تجاوز  
 خود نمود و حکومت فعلی روس باید گذشته تا ایران  
 گروه در آتیه مودت و خوت بر از نماید روسکو و اسلو  
 میگوید حکومت عالیه روسیه باید با اثر قدیمای دولت  
 متبذره سیر کرده همه وقت ایران را در فشار تجاوز و  
 اذیت خود نگه دارد  
 ما میگوئیم آنچه وعده های با جرات حریت پروران  
 در سینه در حفظ ملل مظلومه خصوصاً ایران باید داشته

بطلومی و بیچارگی ایرانیان ترحم کرده زیاده بر این است مملکت  
 قدیم را بوجود قشون خود و مدخلات غیر مشروع در شکنجه  
 عذاب و زحمت جوانی و فارت گم ندارد روسکو و اسلو  
 میگوید در شرع بیست با وفا می بود کفر محض است و  
 شمار حق چنین تقاضای نیست بلکه اظهار مظلومیت شما  
 و نارامی شما از تجاوز است ایگان مصبان بزرگی خواهد  
 ما میگوئیم بیگانه ایرانیان با دولت فارجه خصوصاً دولت  
 روس در مقام خصومت و خلف عهد نبوده و مخصوصاً  
 با روسی که اسی روس همه نوع صمیمیت را ظاهر نموده و  
 خواهد نمود بالعکس آنها چیز را که درباره ما عمل توجیه قرار  
 نمیدهند و فای عهد است .  
 ما میگوئیم دولت عالیه روس را در توقف کردن  
 خود در ایران و این همه خرابیهای مجید و حصر که هنوز هم در  
 تری است چه مقصودی است و ما کی باید فرزندان روسیه  
 و نفع کاران با بشری که بحركات معشانه خود اوصاف  
 حریت و روح دموکراسی را تقویت ننشیدند بجا بود  
 در مسلحی که بریطانی حقیقت کشش برای اولاد بشریت  
 کرده قربانی گشته و بران محنت دیده و تبعیت این  
 پلنگ پوسیده و چار همه نوع مصائب شود روسکو و  
 اسلو میگوید باید تمام شرب الیه و دیبای بیاب بعضی  
 از رجال ما را کور کورانه تصدیق کرده اید آغاز تقبلی  
 نشود که برف بار بر میخورد  
 اگر از جراید محافظه کار (نود و میا) و شرقی بود  
 که صدای زشت آنها از غیب خواب الین شوم برآ  
 چنین استنادی میدیدیم بلکه درت و دستگی تلقی  
 نمیکردیم زیرا مسلک حقه معذی آنها و استانی است  
 که در هر سر بازار می است .  
 اما از روزنامه روسکو و اسلو با مملکت حوث

شماره  
 طلبی و دعوی  
 حقیقت در  
 ماضی  
 میثاقی از  
 عهد خود  
 خود را صا  
 زبی تعبیر  
 ملی نمایم  
 و تسکین دولت  
 آزاد با و ادو  
 عهدی را هم  
 محترم قدری  
 کند مطالب و  
 در ایران مرگ  
 خونین این مملکت  
 مستحضر شود که  
 خزانه و حث  
 عجا بمانند  
 متحدیم و ما  
 آن انگار  
 اگر وحدت  
 زیرا که همه مسلمان  
 خاطر آن نویسنده  
 اسلامیه صر  
 اتحاد اسلام  
 برای رفع افتخار  
 اختصاصی بد  
 عاقل منصفی نمیشود

این مملکت  
در دست  
مست  
بزرگی خواهد  
مصلحت  
در خصوص  
هر مورد  
توجه قرار

وقت  
در  
ن  
و احصا  
باید  
بدرستی

این  
و در  
بعضی

تیک  
بر  
شوم  
شکل  
انی است

ب

طلبی و دعوی انسانیتش در ذکر اینکه مضامین خلاص  
حقیقت و چارچیرت میوم  
ما چه بد عهدی کردیم؛ در خلاص  
میثاقی از ما برور کرد؛ دولت روس که علم  
عهد خود وفا نمود؛ کدام یک از مواعید  
خود را صادقانه بوقوع اجرا گذاشت؛  
زهی تعجب تاکی باید که به نامی پرچم و پلویان  
طلبی نمانیم پس از بر طرف شدن ابرامی تیره استبداد  
و تشکیل دولت مشروطه تا امروز آمده و عده دیگر رویت  
آزاد با داد و بھیک مجری نشد سهل است نسبت به  
عهدی ایم با امید بسته بر این است آن نویسنده  
محترم قدری بایران مسافرت نموده بحکم خود مشاهده  
کنند مظالم و فجایعی را که نظامیان و نمایندگان روسیه  
در ایران مرتکب شده اند و از روی دقت صفحات  
خونین این مملکت بلاکش نی آزار را مطالعه کرده کاملاً  
متحضر شود که ایران برای سوق قشون بهایگان بصورت  
خرابیه دشت تاکی گردیده

عجبا با نسبت میدهند که با دولت عثمانی  
متحدیم و با پول المان و ترک قیام کردیم  
آن نگارنده محترم را در ذکر این جمله چه مقصودی است  
اگر و عدت دینانی ما را میخواهد مطرح نماید جای آنکار نیست  
زیرا که همه مسلمانیم و متحدین بیک دین برای طلب  
خاطر آن نویسنده محترم تمام ملت ایران نمیتواند از دست  
اسلامیت صرف نظر نماید اگر مقصودش از تشکیل نیست  
اتحاد اسلام است مسلم است که تاسیس این اساس  
برای رفع اختلافات جزئیته مذہبی بین تمام مسلمین زیبا  
اختصاصی به دولت عثمانی ندارد در این صورت بیخ  
عاقبت منصفی نمیتواند بگوید که در این امر مقصد سیاسی بود

و یا خواهد بود همه تبعات او بان عالم در رفع اختلافات  
جزئیته و دینیته بین خود اگر اقدامی کنسند بی شبهه تقید آنها  
بر خلاف انصاف خواهد بود  
اما اتحاد پلیسیکی و سیاسی را اگر مقصود داشته باشد  
صریح و واضح میگوئیم چنانیکه علامت استخوان دادیم  
برای ما عثمانی و آلمانی روس و بریطانی نه داشته  
بلکه بار و سیه شتیر در مقام کجبتی و داد بود ایم مملکت  
خود را از تعرض دیگران محفوظ میخواهیم هر که بخواهد  
کرد خصم خود میدانیم هر که باز خصمی زسانید با او صمیمانه  
دوست خواهیم بود هر کسی مملکت ما سوق قشون  
نموده بطرفی ما را نقض نماید او را متعدي و متجاوز خواهیم  
دانست خواه روس و انگلیس باشد خواه عثمانی و آلمان  
قیام احرار ما، نهضت وطن پرستان ما، فدکاری  
جوانان ما، فقط برای خط بطرفی و امنیت داخلی و رفع  
تعرض متعرضین و تقویت حریت و استحکام نظام  
ما و جلوگیری از فساد و تترک انگلیس ظالم است  
چنانکه گفته ایم باز میگوئیم ما را با کسی سر نزاع جنگ  
نیست تمام ملل عالم محبوست است جنس بشر را عموماً با خود  
میدانیم ما اقوال فیلسوف بزرگوار خود را تقلیدیم که میگوید  
بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک جوهرند  
چه عضوی بدر آورد در زنگار و در عضو ما را نماند قرار  
صرف نظر از ذکر سوانح ماضیه از اول قیام جنگلی تا  
النون کی اقدام تعرض نمود؛ از کدام طرف نباید تمام شد  
بعد از تشکیل دولت و موکراسی روسیه اظهار مساعدی  
که نمودند تا امروز که با اظهار ایفای مواعیدشان مستقیم از  
کدام یک نقض عهد ظاهر شد از ما یا از شما؛  
ایا در این مدت غیر از بگرنگی و صمیمیت حرکتی نمودیم  
بر خلاف عهد قدیمی کردیم؛ ما خود را از ربا و دورود

که شیوه دیپلوماسی های امروزی است مبرامیدیم  
 تا آخرین دقیقه امکان عهد خود ثابت خواهیم بود  
 اما حکومت روسیه از ادبانه خلف عهد  
 مجامع دوره تراری را تجدید بلکه شدیدتر نمود  
 اردو، قزوین، بیدان، کرمانشاهان و سایر  
 قطعات ایران بهترین گواهی است که بچکس را  
 موقع انکار نخواهد بود در بین کیلان در اطراف  
 رشت هنوز خون روس مرکب افشالی بشوند  
 که اسباب هیرت است

در اخذ قوتنولها با زهمان ترقیب خود سرانه  
 سابق باقی است هنوز امتیازات غیر قانونی در  
 جریان هنوز متشبثین مشرف را که نموده اند  
 نمایندگان روسیه من غیر حق حمایت کرده اند  
 از طاعت دولت قوعثان باز میدارند

هنوز دموکراسی روسیه حاضر نشد بدین  
 نقطه سالی ارازا از قوتن خود تکلیه کرده است  
 ملا دیده را از گرسنگی و بلاکت ربانی و بندازیم  
 مردم ایران با بکمال حسرت نگاه میکنند که نظامیان  
 مسایکان قوت یومینه آنها را بزور و تهدید گرفته  
 اطفال خورده سال در اوسن پدر و مادر داشتند  
 گرسنگی غالب تهنی کرده قادر نشدند نان خود را  
 برای حفظ جان خود نگه دارند

هنوز اتباع روسیه در ایران از ادای مالیات  
 دولتی اشکاف کرده بلکه تشبث بوجدن و  
 اشخاص ردل که بانها تکمال کرده اند از دادن  
 مالیات امتناع دارند هنوز مظالم دوره تراری  
 در ایران بکمال شدت عرض اندام نموده اند  
 که ورق پاره مارا بگنجایش شرح آنها نیست با این

مال بار ما را بد عهد میخوانند ما این مظالم این عهد  
 سنگینی ما این تممت ، و این ترانه های دیپلوماسی  
 بدموکراسی یا احرار روسیه هرگز نخواهیم نشست داد  
 زیرا دموکراسی تعدی نمیکند دموکراسی بد عهد  
 نیست دموکراسی اقوام مختلفه را فرقی نمیکند اردو  
 روح دموکراسی تمام اجزا دنیا را متحد نماید  
 دموکراسی ظالم نمیشود دموکراسی تجاوز بجایگان  
 ندارد دموکراسی حامی ضعیف است دموکراسی  
 طرفدار مظلوم است دموکراسی قوانین انانیت  
 را مراعات میکند بلکه این همه متاعی که هنوز هم  
 دچاریم از قوه ارتجاع است که در روسیه بازم  
 کار فرما است بی همان قوه ارتجاع است که کار  
 اجرا روسیه را عقیم که اشته ملت با شرفت روس  
 را از فواید حریت محروم نموده این همان قوه ار  
 تجاع است که مثل رجال در بار تراری بازم مروج  
 پلنیک خدارانه انگلیس شده بیونها جوانان  
 گرا بنهای روسیه را فدای مقاصد سواد بارند  
 نماید این همان قوه ارتجاع است که اشعه خورشید  
 دموکراسی را در میان ابرهای لثیف بسته و محض  
 کرده و مانع است که اولاد روسیه از تربیت آن  
 منتفع شوند این همان قوه ارتجاع است که روس را  
 با همه بجران های زهره شکافش حاضر نیست جنگل  
 انهدام ربانی داده فدای ترور بریطانی کنند  
 این همان قوه ارتجاع است که بازم ایران را  
 میخواهد در بکمال تعدی خود نگه داشته و بلکه فدای  
 آری این زمره ما این نعمه ما را همان قوا  
 ارتجاعیته مبراه ما این نعمات ما فدهاس  
 میثاق خود را منکرزل نمیکنیم و مظفریت تمام و تمام

شماره  
 دموکراسی  
 مظفریت  
 با صلاح  
 ما نظار  
 مسوق  
 شوند که انکار  
 حال قوه  
 ما نظار  
 بایک قهرمان  
 منصرف  
 بزرگ خراب  
 از  
 در بعضی موارد  
 روزنامه ای  
 هیچ قسم ملاحظه  
 گونی و صفت  
 بچولان در  
 برادران شما  
 کرمان که در  
 وطن فرود  
 جان میدهند  
 اگر چه  
 امور رسمی  
 فرصت کو  
 جگر خراش  
 دولت ایران  
 که در پایان  
 خوشنود و اخذ

و موکراسی روسیه را منظور داریم که برای آن  
منظرت ایرانیان هم از تجاوز و تعرض خست شده  
با صلاح خرابهای خود مشغول شوند

ما نظار داریم بچنانکه روسیه و فساد انگلیس را کمالاً  
مستوق شد ایم احراز رویه نیز بی برده و ملتفت  
شوند که انگلیس برای اجزای نیات سوء خود در  
حال قوه ارتجاع را تقویت نماید

ما نظار داریم جو انمردون روسیه حکومت خود  
با یک قهرمانیت دیگر از این ملتیک بی صرغه  
منصرف داشته و گذارند پیش از این یک ملک  
بزرگ خراب حق کشی های انگلیس مکار شود انتی

از مکاتیب وارده

در بعضی نمرات جریده فریده جنگل که امروزه تنها  
روزنامه است که بتواند بحال آزادی افکار بدون  
سجقم ملاحظه قلم آتشین حریت پرور خود را برای حق  
گویی و صیقل نویسی و دادخواهی ستمزدگان ایرانی  
بجولان درآورد دیده شد که هم در روی و هم آواز  
برادران شمالی را با فلک زدگان جنوبی مخصوصاً  
کرمان که در زرباش سر سر بنجه خون الود اولین خانکار  
وطن فروش سر در نصرت با حاجی صدخان جنوب  
جان میدهند گوشه فرموده بودند

اگرچه در ملک ما امروزه دادرسی نیست و  
امور قسسی خود گرفتار و پای بند می باشد که میل با  
فرصت گوشه دن با نیمه آه و ناله نادر و یاد می  
بگر خراشیکه از اطراف بلند شده و میشود دارند  
دلت ایران حکم یک گلگه گوسفندی بشان را دارد  
که در پابان بی صاحب و بیس آواره و طعمه گرگان  
خوشخور داخلی و خارجی میشود

لیکن همچنین مشنوم ولی پسیم که ناله های ما در قلوب  
پرور برادران شمالی اترات خود را بخند و ملت برادر  
خود را که بفرسنگها از آمان دورند فراموش نمود  
یک قسم تسلیم و دلگرمی برای ما حاصل میشود  
که توسط آن گرامی نامه آزاد نکلرات خود را از احاطه  
مهر پروری برادران شمالی که اساس آن بر پایه  
متحکم نوع پرستی و یگانگی ملی گذارده شده است  
برادران تقدیم داشته امید داریم مجاهدت غرغره  
جو انمردان ایران پرست یک آینده روشن  
برای این ملکت سیه روز تیره رود کار تهیه نماید

در خاتمه استند غامیکم این مختصر را بنام سپاسگذاری  
و حق شناسی مادر اولین شماره جریده درج فرمائید  
از طرف مصیبت زدگان

اخبار شهری

آقای مدیر جریده جنگل متنی است مخصوص تشویق و  
محصلین این چند سطر را در آن نامه گرامی درج فرمائید  
دستان فردوسی که قریب دو سال است  
از نده تا نسیس آن میگردد در دستان گذشته  
موفق شد که در موقع امتحان چهار نفر از اطفال را  
که تحصیلات شش ساله آنها تمام شده و از عمده  
امتحان هم بخوبی برآمدند تصدیق نامه داده از  
مرخص نماید

پس از امتحان رئیس معارف بطهران ترف  
برده و تصدیق نامه را هم موقوف بر ارجحیت نمود  
به بنحانه گو با معاودت ایشان موقوف شده است  
بیت نظار دستان هم توقف ایشان را در  
بی نتیجه دیده لند مجلسی تسکین داده و تصدق نامه  
با مضامی معلمان و هیئت نظار با قایبان ذیل دادند

پارم  
این عهد  
پلوهای  
ت داو  
ی عهد  
دارد  
نیاید  
سایگان  
ولری  
نات  
هنوز هم  
بیمه مارم  
که کار  
ت رو  
ن قوه  
م مروج  
جوانان  
بارند  
غده خورشید  
مجلسی  
یت آن  
روسترا  
جنگل  
نی کند  
ان را  
ملک خفیا  
ان دوا  
س  
تمام تمام

میرزا غلامرضا پیرشهدی اکبر رحمت الله فان  
پیرنجد الملک میرزا محمد علی پیرشهدی محی بخار  
میرزا محمد علی پیر مرحوم میرزا مهدی

کوشش محصلین و لسان احمد بر افترا

معاقب آنکه روز ع محرم الحرام چنانچه خبره فرید  
آموزگار شرح آنرا مفصلاً نوشته اند اطفال تقسیم  
برنج را بین فقرا کافی ندانند و در صد جمع وری  
اعانه بیاندند لند از در ششم محرم از بعد از ظهر بود  
ساعت از شب گذشته در کاروانسرا بمحافل صوفیه  
خوانی وارد شده پس از خواندن نطقی که در هیچ بود  
باعانت و دستگیری ضعیفا صندوق اعانه را که بر  
داده بودند در نزد هر یک از حاضرین برده ای تم  
با کمال میل هر یک مبلغی در آن صندوق ریختند  
از هم گرومش صندوق را در حضور آقای عزت الله  
خان نمایندة محترم بیت مقدس اتحاد اسلام و چند  
نفر آقایان دیگر باز کرده و مجموع عایدی را با یکدیگر  
تومانیکه تجار سرای حاجی میرزا احمد بزرگ تخیل  
نمودند و بالغ بر دوست و شصت تومان میشد  
در نزد آقای حاجی رضایتیس مطبوعه بودیعه گذارند  
که پس از انقضاء ایام تعضیل تصویب بکلیه بین فقرا  
تقسیم شود

امید است رجال و ارکان مملکت هم تمانی  
باین خورد سالان نموده اسباب آسایش کمیت  
آواره شدگان از وطن را در این قحطسالی فراهم  
آرند که پیش از این در کج خواهر امام و خرابه بحال  
اصفاکی از گرسنگی تلف نشوند

جنگل

در شماره ۱۳ جنگل شرحی راجع بر عایت فقرا کرد  
قد و چانی در مجالس روضه و صرف و چو آن  
برای این اشخاص ذکر می شده بود و منظر بودم  
که بیانات ماحسن اثر بخشیده مردم کاملادی برسد که  
احیای نفس بهتر از بعضی پذیرانی های غیر مستحسن است  
خوشبختانه از دراز پهلای که پیدا کرده ایم ان الله  
که باید رفتارشان سر مشق سایر نقاط باشد در این  
تقصیه مشغول دادن نمانیستند که منصفانه باید  
ترقی معکوس را در باره آنها معتقد شویم چانی را  
ظاهر آزرک کردند بجای او و دوشیوه مرضیه  
معمول باشد است

اولاً می توانند در زاویه دکان باشند و در  
اطاقهای خودشان در کمال رسالت بی انگ  
بفهمند بخدا و خود و همه خیر خیاات میکنند باقد  
ند اقلابا شکر چانی را صرف نمایند  
ثانیاً در مجالس روضه دارچین باشد و در این  
میدینند در این رویه نمیدانیم آقا با چه مقصود  
دارند که را منخواهستند فریب بدینند خدا را با  
یا خودت نیز چانی که گنایری نگرده بود باز چانی از  
لاهیجان هم عمل میاید اما دارچین خط مخصوص  
هندوستان است و ما با دولت و ملت روس  
طرف نبودیم که قدر روس را ترک کرده دار  
وقد و شکر انگلیس را بجای او استعمال کنیم بلکه  
مقصود ما این بود که قد و شکر باین گرانای صرف  
نشد و از این اسراف بهبود دست کشیده  
قیمت او را بنام دیانت و انانیت با بنام سما  
خود نماند و در این همان دارچین

شماره  
باقند  
سرگذرد  
بدینند  
نیامند  
جونی خود  
بیک  
دادن  
بیک  
خوشو  
ارو حاف  
محرزه انسا  
بگزارند  
را بقها  
نزیت  
گفته  
مساعت  
علیکم  
همچنانیکه  
سایر احرار  
نماید  
مالک  
مطابق  
اضافه  
همان  
نموده  
شینه  
خیال

باقند و شکر ابراز میکنند باین بجا رگان و بدختا میگرد  
سرگذرد و راه با یک ترتیب ناگفتنی زندگی میکنند  
بدینند از این خوش مزه گی ها میگویند بعضی از انالی  
میپایند معلوم میشود که در کارهای خیر و حق در صرفه  
جویی خودشان هم باید با الاجبار اقدام نمایند  
بیک نفر مستمع روضه یک فغان دار من  
دادن بهتر است یا با قیمت همان یک فغان  
یک گرسنه را از پلاک ربانی دادن بهتر خواهد بود  
خوشودی خدا در سول و حضرت شید الشهدا  
ارواح خفته در رعایت فقرا و اعیای نفوس  
محترمه انسانی است نه در صرف دار من و شکر  
بگزارند اینک در این حالی که قحطی تمام ایران  
را بقفا تهدید میکند خداوند کیسلا بنان را در ارا  
نزیت نعمت نموده و این بجا رگانیک ترک فغان  
گفته و بسمت ایشان التجا متوجه شده اند بحال  
مساعدت را ظاهر نموده و سر حدیث شریف  
علیکم بار المیز را آشکار سازند  
هر که ظلم کند بد است

پنجانی که هیت اتحاد اسلام بسیره دور و  
سایر احوار حاضر هیت که مالک بر رعیت ظلم  
نماید بچنین ظلم رعیت را مالک جایز نمیداند  
مالک از رعیت مال الاجاره ملک خود را  
مطابق قانون مقدس اسلام و حق است  
اضافه حق ندارد و بگوید رعیت هم باید بر طبق  
همان قانون حقوق مالکیت مالک را ادا  
نموده حق تجاوز نداشته باشد از گوشه و کنار  
شینه و میشود که امسال رعایا به بهانه سوخت  
خیال دارند با مالکین رفتار غیر عادلانه نمایند

لازم است عموم رعایا را متوجه باین مسأله نمایند که  
ظلم از هر کسی بر فردی واقع و منفور است مالک باشد  
یا رعیت نه از باب حق تجاوز دارد رعیت  
مستلماً از بعضی بی ترتیبی ها که بالاخره متخرب بر ج و  
مرج میشود جدا جلوه گیری خواهد شد

توضیح

آقای کارگذار در مسأله اقدام آقای حاج میرزا محمد رضا  
مجتهد و اموال مفاخر الملک توضیحی با اداره فرستاد  
که برای ضیق صفحات این شماره در جیبش را بشمار  
آیه محمول بنمایم

راه شوشه پیر بازار

اداره راه شوشه که ملزم بدار نگاه داشتن راه  
و ساختن پلهای مخروطی است  
مدتی است از حرازی پل وسط راه گذشته  
در ساختن آن اقدامی نه نموده برای اینکه تجار  
متأصل شده باره آهن غیر قانونی پیر بازار  
حمل مال التجاره نمایند  
از فعالیت آقای کارگذار اقدام جدی این  
مسئله را انتظار داریم  
باز هم معذرت

برای اصلاح نواقص مطبوعه و تأخیر در تهیه لوازم اصلاح آن  
بجست طبعیان آب و شدت باران طبع روزنامه را بتأخیر  
افتاد ما از عموم شرکین معذرت خواسته از خداوند  
توفیق میخواهیم که در آیه ترتیب مطابق وعده که دادیم عمل یابیم

تشکر

جریده شریفه شما را منطبقه کرمانشاه که چندی است  
رونی جدیدی بعالم مطبوعات بنجیده جریده جنگل تقریر یافته  
نموده بسیار تشکر گفته ز تعالی میفرماید کارکنان آن گرامی جریده را در  
خواستاریم

شماره  
فقرا در آن  
بودم  
برند که  
تنت  
الکلی  
که در این  
مانند باید  
حاجی را  
رضیه  
شده در  
ت بی آنکه  
باقند  
در این  
قد بود  
مقصود  
از بابا  
حاجی از  
مخصوص  
ملک روس  
من  
کرده دار  
کنیم بگو  
بسیار  
صرف  
کننده  
مانند  
در این

چرخد بگرد

خدایا به وطن رحم کن

در ازمن

در ازمن کسی است که اقدامات شجاعانه پلین جنوب را باسم راندا مرسی با افسرهای انگلیس در کرمان و انار راه بزند و دوج با تخمین و تعظیم می بیند ولی در جنگل گیلان پول بین الدوله رانی پند که بچه حضرت میرسد

پول این الدوله

صرف پلین جنوب میشود تا وطن را حفظ نماید

شسته شاه

یک قطعه از وطن است که برایت این الدوله اوار و میشود

بی تکلیف

روزنامه جنگل است که از خدمت و تداعی حضرت ارف و سایر بزرگان وطن مخصوصاً فرماندهان و سردار حضرت که در قسمت جنوب نظرشان بنگاهداری وطن است خودداری میکند

وحشی

بر اینانی هستند که برای حفظ شرافت وطن پلین جنوب میشوند

مغز

هر غربی را آبادی زیرم میکنند ولی گامیه آبادی زیرم بجوابی دوامی بر آساعه

حضرت حضرت اشراف آقای وثوق الدوله در هم ملکات در کابینه حاضر است تا جاره وطن بهم باید معالجه شود

دو بچه تجویز... باشد

اکتشاف

بطوریکه تحقیق کرده ایم و به تجربه رسیده ام در زیرم هم چرا فقط منحصر بوجود آقای وثوق الدوله است در قتل آن وجود مقدس کار وطن بچاره چه خواهد شد

حافظ وطن

پلین جنوب است که وطن با و افشای میکند

مستمر

جنگلی با هستند که پلین جنوب میشود در قراق شمال

رفع اشتباه

مالها است که جرایم جمعی از محترمین مملکت را طاق و از فرزندان با خلف وطن معرفی نماید از قبیل

پیر و دشمن ضعیف آقای اسیر کبیر حضرت اقدس و اهل اکتشاف

دیگانه و پهلوماسی ایران ناصر الملک ابضا حضرت اشراف صیالات

اعظم و بکدا اجاب وثوق الدوله و همچنین حضرت

والا فرمانفرما و غیره

خدا رحمت کند صلح صد خان امیر بهادر قوام شیراز بهر خاک

آنها است عمر سردار حضرت با شد اینها قابل تذکار نیستند

حال کشف شد که تمام از عرض بوده و اینها شب و روز

مراقب حفظ وطن و وطن در عوض حقوق ایشان را اودا

تقی کلاه نقی سر

یعنی کلاه وزارت و حکومت است که متصل با هم

بیادله میشود هم روز

جناب حاج معاذ خاوند دولت است که دو ماه بعد از عزل

خود حقوق آتیه را ملگرافانی از اداره مالیه گیلان

مطالبه دارد

کم رو تر

نویسمان سبب که مثل پوستین از قلندر نیکنده رخ

محل و روشک نزار است عطا فرزند دکان حاج میرزا جنگلی

جای ا

ذیر -

ملکرافات

باید بعنوان

فوسن

براه چهارم

مکت نمره

این ر

آقای حاج

ایران آ

بزرگ ش

تقدیم داش

امید و

بسیگونی

بیک خود

ملگراف

حضرت مستطاب

شوکته العالی

اسعد طالب

کرده خدمات

معظم در این

ایل طلیل او

ظهور رسیده